



نورمان پیچ

اوجالان، حقوق اروپایی، و مسأله کُرد
ابتکار عمل آزادی برای اوجالان



نورمان پیچ

اوجالان، حقوق اروپایی، و مسأله کُرد
ابتکار عمل آزادی برای اوجالان

نام کتابچه: اوجالان، حقوق اروپایی و مسأله کُرد
نویسنده: نورمان پیچ
موضوع: ابتکار عمل بین‌الملل برای آزادی عبدالله اوجالان
طراحی و صفحه‌آرایی: مرکز انتشارات پژاک
چاپخانه: شهید جگرخوین
انتشارات: مرکز انتشارات پژاک
چاپ اول ۱۴۰۲

فهرست

۵

۷

۱۳

پیشگفتار

اوجالان، حقوق اروپایی و مسأله کُرد

پسگفتار ۲۰۱۹

پیشگفتار

ابتکار عمل بین‌الملل « آزادی برای عبدالله اوجلان - صلح برای کردستان »، یک کمپین فراملیتی صلح، برای آزادی رهبر آپو و راه حلی مسالمت آمیز برای مسأله کورد می‌باشد. این [کمپین] فوراً پس از ربوده شدن رهبر آپو و استرداد وی به جمهوری ترکیه در نتیجه همکاری سرویس‌های اطلاعاتی در ۱۵ فوریه ۱۹۹۹، تأسیس شد. بخشی از فعالیت‌های این کمپین به انتشار آثار رهبر آپو اختصاص یافته است. کتابچه‌ی «اوجلان، حقوق اروپایی و مسأله کُرد» نوشته‌ی نورمان پیچ یکی از کتابچه‌های مجموعه «برساخت حیات آزاد: دیالوگ‌هایی با اوجلان» می‌باشد که همگی این مجموعه در یک کتاب جمع شده‌اند، این کتاب حاوی مجموعه مقالاتی از نویسندگان، متفکران و انقلابیون جهانی است تا در مورد افکار رهبر آپو نظرات خود را بیان دارند تا فضای دیالوگی حول اندیشه‌ی رهبر آپو شکل بگیرد. این مقالات برای نخستین بار، واکنش‌های مکتوب به نوشته‌های زندان رهبر آپو را گرد آوری نموده و شماری از آکادمیسین‌ها، نویسندگان، و انقلابیونی را که به اندیشه‌های وی علاقه‌مند هستند یا از تفکرات وی الهام گرفته‌اند، دور هم جمع کرده است. ترجمه این مجموعه به زبان‌های مختلف، تلاشی است برای گسترش و ژرفا بخشی هر چه بیشتر به دیالوگ موجود. امید است که اثر حاضر، دیوارهای زندان را نیز درنوردد، چرا که حصر و انزوای شدید اعمال شده بر زندان جزیره امرالی، اندک مجالی برای دیالوگ با ایشان بر جای گذاشته است. با توجه به اینکه نوشتن به وسیله‌ای برای رهبر آپو بدل شده، تا به واسطه آن بر انزوا و حصر غلبه نموده و با طیف گسترده‌تری از مخاطبان ارتباط برقرار نماید، امیدواریم مجموعه‌ی مذکور بتواند راهگشای مخاطبان گردد تا از این طریق در تلاش‌های وقفه‌ناپذیر و فزاینده رهبر آپو جهت برساخت جهانی بهتر، سهیم گردند.

1 - Abdullah Öcalan, Die Kurdische Frage und das europäische Recht

2 - BUILDING FREE LIFE: Dialogues with Öcalan

اوجالان، حقوق اروپایی
و مسأله کرد

سه سال پس از صدور حکم اعدام توسط دادگاه حقوق اساسی ترکیه، انتظار می‌رود پاییز، تصمیم دادگاه حقوق بشر اروپا اعلام گردد.^۱ اوجالان، رهبر سابق حزب کارگران کردستان^۲، ناگزیر بود این مسیر را طی کند، نه به خاطر هراس از اعدام؛ بلکه برعکس، با نیت ارجاع مسأله‌گرد به اروپا. زیرا زمامداران ترکیه قصد داشتند به واسطهٔ آدم ربایی و استرداد، [مسأله‌گرد] را به ورطهٔ خاطرات بیافکنند. صدور حکم اعدام، آسانتر از اجرای آن بود؛ زیرا ترکیه، نه چین است نه آمریکا، بلکه ظاهراً عزم اروپا کرده و در مسیر اروپا است. در مقابل، برای اروپا منع ترکیه از اجرای حکم اعدام، بسی آسانتر از تحت فشار قرار دادن آن برای حل مسأله‌گرد بود. در حالیکه اعدام اوجالان در آینده ای قابل پیش بینی، موانع لاینحلی را فراروی عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا قرار می‌داد، بعید به نظر می‌رسید ترکیه به دلیل عدم تغییر سیاست‌هایش در قبال کردها، با چنین عواقبی مواجه شود.

نیت اوجالان از دادخواهی، تحریک دادگاه حقوق بشر اروپا در استراسبورگ و بازگرداندن مسأله‌گرد به دستور کار اروپا بود؛ چرا که آنچه در اینجا در معرض خطر قرار گرفته است، نه سرنوشت یک فرد، بلکه سرنوشت یک خلق است و این خلق در سایه [خیزش] دو خلق دیگر خاورمیانه، یعنی فلسطین و عراق، در حال سپرده شدن به بوته‌ی فراموشی است. با توجه به گزاره‌های فوق، دادخواست جامع اوجالان، پیچیدگی‌های عمده مسأله‌گرد، تکوین تاریخی، ابعاد فرهنگی، پویایی سیاسی، و چشم انداز دموکراتیک آن را در بر می‌گرفت و استدلال‌های حقوقی را به عهده وکلا می‌گذاشت. گزیدهٔ «مسأله‌گرد و حقوق اروپایی»^۳، که پیشتر به زبان آلمانی نیز منتشر شده بود، مسائل قضایی را به کنار نهاده، و در عوض به نقش عمده حقوق به مثابه سنت خاص فرهنگ اروپایی، و جایگاه آن در چاره‌یابی مسأله‌گرد می‌پرداخت.

هدف اساسی اوجالان پس از آنکه در سال ۱۹۹۸ مجبور به ترک سوریه شد، تبدیل مسأله‌گرد به بحثی سیاسی در سطح اروپا بود، به همین دلیل، اوجالان به جای کوهستان، راه رُم را در پیش گرفت. او تمرکز انحصاری بر جدال کرد - تُرک را به منزلهٔ راهی واقع بینانه برای خروج از بن بست

۱ - برخلاف پیش بینی فوق، حکم در ۱۲ مارس ۲۰۰۳ اعلام گردید.

۲ - Partiya karkeren Kurdistan (PKK)

۳ - Abdullah Öcalan, Die Kurdische Frage und das europäische Recht (Cologne: Internationale Initiative, 2002).

جنگ تلقی نمی‌کرد. با وجود آنکه تجربه تلخی در نتیجه این انتخابش رقم خورد، با این اوصاف وی در گذر سالیان، تنها بر چشم‌انداز حق تعین سرنوشت و خودمدیریتی خلق کورد اصرار ورزیده است. با وجود تمام ناامیدی‌ها و خیانت‌هایی که در جریان اُدیسه^۱ قارّه‌ای با آنها دست به گریبان شد، این چشم‌انداز، از دوران دادخواستش تا به امروز، بخشی از عقاید و خط قرمز او می‌باشد.

فراتر از آنچه تاکنون دریافته‌ایم، جزئیات چندانی از پرواز سرگردان وی از ایتالیا به مقصد هلند (که حتی اجازه فرود نگرفت)، سپس مسکو، سن پترزبورگ، آتن، و آخر سر کنیا، در دست نیست. برداشت وی مبنی بر اینکه همه ماجرا بخشی از توطئه‌ای بود که بیشتر دولت‌های اروپایی (تو بخوان همه آنها)، ایالات متحده، روسیه و یونان در آن دخیل بودند، با ارزیابی بیشتر ناظران در این خصوص همخوانی داشت. گرچه ایتالیا - جایی که بعدها دادگاهی در روم، حق پناهندگی سیاسی وی را به رسمیت شناخت - اوجالان را برای ترک آنی کشور تحت فشار قرار داد، با ملامتی شبیه به آنچه در مورد مغزهای متفکر توطئه اتفاق افتاد، رویارو نشد. پس از بروز ناآرامی‌های اولیه در پایتخت‌های ناتو، هدف دسیسه، نابودی وی بود؛ اوجالان به مثابه مُقتدا و پیشوای مطالبات‌گردها، از سر راه برداشته شد. این جریان چندان مرتبط با یک شخص نبود بلکه بیشتر معطوف به بازداشتن سمبل یک مبارزه از حضور در انظار عمومی جامعه اروپا بود. ظاهراً یکی از ابزارهایی که در این میان مورد استفاده قرار گرفت، تپانچه‌ای بود که سفیر یونان در کنیا به اوجالان داده بود؛ البته نه با این نیت که وی قادر به دفاع از خود باشد، بلکه با این قصد که او دست به خودکشی بزند.

هیچکدام از این موارد، با استانداردهای اروپایی حاکمیت قانون، هیچگونه قربانی نداشت؛ [استانداردهایی] که بایستی در حق رهبر PKK، همچو یک پناهنده سیاسی در کشوری متعهد به «کنوانسیون ژنو درباره پناهندگان»، اعمال می‌شد. مختصر تلاش‌هایی برای محاکمه وی در یک دادگاه بین‌المللی شکل گرفت؛ اما در پایان، استرداد وی به ترکیه را راهی ارجحتر یافتند، و دقیقاً دلیل اجتناب از پیش هماهنگ شده [این دولت‌ها] از اعطای

۱ - اُدیسه (odyssey) برگرفته از نام سروده شاعر یونانی، هومر، در واقع تداعی گر سفری طولانی و سرشار از رنج می‌باشد؛ به عبارت دیگر می‌توان واژه اُدیسه را به لحاظ اصطلاحی نوعی کنایه تلقی کرد.

پناهندگی نیز همین مساله بود. صرفاً به یک دلیل: چراکه اعتقاد بر آن بود این کار مانع از همبستگی ترسناک گُرد ها در اروپا می‌شود. از دیگر سو این امر باعث زدودن شرمساری از وجهه دادگاهی می‌شد که در آن اقدام به جنگ و نقض حقوق بشر از سوی ارتش ترکیه و همچنین حمایت‌های متحدانش در ناتو با جزئیاتی طاقت‌فرسا مورد بررسی قرار می‌گرفت. و در نهایت، واقعیت قوه قضائیه در ترکیه آنقدر شناخته شده و عیان بود که برای کسی جای شک و تردید در مورد نتیجه دادگاه باقی نمی‌گذاشت. اوجالان برای محاکمه به دادگاه قانون اساسی ترکیه تحویل داده شده بود، دادگاهی که حقوق بشر اروپا بارها به دلیل عدم سازگاری با استانداردهای اروپا، آنرا محکوم کرده بود.

این آدم ربایی صراحتاً با حقوق اروپا در تضاد بود و انتقادهای و توصیه‌هایی در مورد شرایط بازداشت از سوی کمیسیون شورای اروپا وجود داشته است که متأسفانه موجب تغییری در وضعیت انزوای اوجالان در امرالی نگشته است. در مورد مجازات اعدام، قضیه اندکی متفاوت است. ممنوعیت مجازات مزبور در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر گنجانده شده است، اما ترکیه حتی از تصویب پروتکل الحاقی، که به موجب آن همه کشورهای عضو شورای اروپا با ممنوعیت [اعدام] موافقت کرده‌اند، امتناع ورزیده است. در خصوص این پرونده، آنچه دیگر در سطح حاکمیت قانون اروپا قابل قبول نیست، عبارت است از این که امکان قانونی مجازات اعدام، در زمره موارد نقض حقوق بشر نیست! اگر تصمیم دادگاه قانون اساسی کنار گذاشته شود، این امر تنها با آدم ربایی غیرقانونی و رویه دادگاه تالی، قابل توجیه است.

باید سخن اوجالان را مبنی بر این که تجدید نظر در حکم، نه دغدغه اصلی او و نه هدف اصلی دادخواستش است، باور نمود. این راهی برای اعاده مسأله به اروپاست، حتی اگر یک قاره وی را پس زند. بعد از درک این واقعیت که راهکار نظامی به راه حلی منجر نخواهد شد و پیشنهادات سیاسی وی به واسطه منافع استراتژیک ناتو زمینگیر می‌گردند، این واپسین ابزار باقی مانده‌اش در مبارزه برای خلق گُرد است.

اما چه چیزی او را تشویق می‌کند که در دادگاه به راه حل مسئله‌ای برسد که از نظر سیاسی مسدود شده است و او را امیدوار کند که از قانون به عنوان اهرمی در برابر این مقاومت سیاسی استفاده کند؟ این درست است که ترکیه تجربه چندان مثبتی در دادگاه استراسبورگ نداشته

است و تقریباً در هر شکایت حقوق بشری که توسط شهروندان ترکیه به این کشور ارائه شده بود، محکوم شده است؛ در اغلب موارد اگرچه غرامت درخواستی را پرداخت کرده است، اما تا کنون اقدامات لازم برای اصلاح نظام حقوقی، پلیسی و نظامی خود انجام نداده است. بنابراین هر گونه انتظار واقع بینانه در مورد روند استراسبورگ فقط می‌تواند منوط به رعایت تصمیم‌های دادگاه مزبور از جانب ترکیه باشد، نه چیزی فراتر از آن. اما با این حال اظهارات اوجالان در مورد حل بحران ترکیه و بحرانی‌ترین نقطه آن، یعنی مساله گُرد، درست است. «مرد بیمار بسفر»^۱ با مصائبی چند لایه دست و پنجه نرم می‌کند که بارزترین آن بحران اقتصادی همراه با سطح فوق‌العاده ای از تورم است. همچنین به طور کلی پذیرفته شده است که دگردیسی در طبقات سیاسی - نظامی حاکم، چشم انداز بهبود را بر نمی‌تابد. امتناع از اعطای حق برابری با ترک‌ها به مردمان گُرد، به ویژه با همه اشکال ستم، ویرانی، تبعید و توسعه نیافتگی آن، منبع و آب‌شخور فلاکتی است که به طور روزمره در ترکیه زیسته می‌شود. اوجالان می‌نویسد: «سیستم ستم حتی زبان را ممنوع می‌کند و در نتیجه پیوسته جدایی و خشونت می‌آفریند»^۲. و سیستم با سرکوب بیشتر به این امر واکنش نشان می‌دهد. تنها چند صد کیلومتر آنسوتر در جنوب، در فلسطین، اشکال خشونت و وحشت متقابلی که چنین سیستم سرکوبگری می‌تواند منجر به آن شود، در حال حاضر به رویه‌ای روزمره بدل شده است.

اوجالان مقایسه‌ای بین ترکیه و اسرائیل انجام می‌دهد، اما در سطحی معین، همانندی‌ها عیان هستند. هر دو دولت دارای نهادهای دموکراتیک مدرن و دولت‌های قانون اساسی مدنی هستند، بدون اینکه بتوانند به افراط جنایت‌کارانه ارتش و دولتشان پایان دهند، گرچه این امر در ترکیه بسی بیشتر از اسرائیل است - که این بدون شک به دلیل ساختار هنوز ناقص دولت و قانون اساسی آن می‌باشد؛ اما، در هر دو کشور قطعاً [وضع موجود] نتیجه حمایت‌های متحدان قدرتمند می‌باشد. حتی یک دولت کاملاً توسعه‌یافته با قانون اساسی هیچ تضمینی در برابر زوال سیاسی نهادهایش ندارد، اما مطمئناً این مساله پیش شرط ضروری برای کنترل دموکراتیک و

۱ - مرد بیمار بسفر (The Sick man of the Bosphorus) عنوانی کنایه آمیز در ادبیات سیاسی اروپایی سده ۱۹ برای اشاره به امپراطوری عثمانی؛ این عنوان نخستین بار از جانب تزار روس به حکومت عثمانی اطلاق گردید.

توسعه مسالمت‌آمیز نظام سیاسی است. از این منظر، مسأله کردستان نیز مشکل آشکار شدن و اجرای قانون اساسی است که علی‌رغم تمام معایب، در حال حاضر الگویی جز مدل اروپا برای آن وجود ندارد. این رویکردی است که اوجالان در نظر گرفته است.

در این مسیر برای تبدیل شدن به یک کشور مبتنی بر قانون اساسی، ترکیه یک برهه هشتاد ساله سخت را پشت سر گذاشته است، فقط کسری از زمانی که دولت‌های مرکزی اروپا پس از روشننگری بدان نیاز داشتند تا از طریق چندین انقلاب نظام قانون اساسی کنونی خود را بسازند که در کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، جایگاه خود را پیدا کرده است. برخلاف ناتو، اتحادیه اروپا این استانداردها را به پیش شرطی برای عضویت در اتحادیه بدل کرد، معیارهای موسوم به «معیارهای کوپنهاگ»^۱. علاوه بر این، اصلاحات در راستای حاکمیت قانون نیز برای حل مشکل ترکیه ضروری می‌باشد. این نه تنها شامل خواسته‌های حداقلی، مانند پایان شکنجه، ناپدید شدن مردم، تبعید آنها و تخریب خانه‌ها و اموالشان می‌شود، بلکه مشتمل بر به رسمیت شناختن هویت و خودمختاری کردها و همچنین به رسمیت شناختن زبان و سیاست و نهادهای مدنی آنهاست. اوجالان امید زیادی به دمکراتیزه کردن جامعه کردستان دارد.^۲ بدون آن، بحران نمی‌تواند حل شود و وضعیت و حقوق برابر برای افراد مختلف در یک دولت واحد، پروژه‌های برای آینده‌ای دور باقی خواهد ماند. اوجالان در پایان ارجاعات خود به قوانین اروپا و مسئله کرد، به راه طولانی ترکیه برای رسیدن به این مسأله اشاره می‌کند و هشدار می‌دهد: «به منظور حفاظت از روند صلح و دمکراتیزاسیون، ما نیازمند تقویت کمی و کیفی مناسب گریلاهای پ.ک.ک هستیم این امر نه تنها به دلیل مخالفان صلح در ترکیه، بلکه به دلیل حملات احتمالی نیروهای مرتجع در خاورمیانه، از جمله نیروهای کرد، ضروری است». این هشدار مسئولیت اروپا را برجسته می‌کند که در قالب ناتو هرگز به آن اعتنا نکرده است و اکنون باید در قالب اتحادیه اروپا و دادگاه اروپایی حقوق بشر با جدیت بیشتری دنبال شود.

۱ - Copenhagen Criteria

۲ - Ibid., 49f.

پسگفتار ۲۰۱۹

در هجده سالی که از نگارش سطور فوق می‌گذرد، جهان و نظم آن عمیقاً تغییر کرده است. وقایعی مانند بحران مالی و بانکی در سال ۲۰۰۸، آغاز جنگ در لیبی و سوریه در سال ۲۰۱۱، فرار مردم به اروپا برای گریختن از جنگ و بدبختی در کشورهایشان، و رسیدن دونالد ترامپ به ریاست جمهوری امریکا در سال ۲۰۱۷ که بیانگر بحران عمیق نظام سرمایه‌داری غرب است. ابزار و خشونت‌ها که برای صیانت از آن [یعنی سرمایه‌داری] به کار می‌رود، به طور فزاینده‌ای برای دستاوردهای دموکراتیک مضر است، از جمله حقوق بشر، دولت رفاه، و تضمین‌های قانون اساسی که کشورهای اروپایی تمایل دارند به معیارهایی برای سنجش عملکرد دولت‌های خارج از قلمرو خودشان تبدیل شوند.

دادگاه حقوق بشر اروپا، دادگاه ترکیه را به دلیل رسیدگی ناعادلانه در مورد پرونده اوجالان سرزنش نمود و مجازات اعدام را نقض ممنوعیت رفتار غیر انسانی - مندرج در ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر - طبقه بندی کرده است. حکم ترکیه نتیجه یک محاکمه ناعادلانه بود و توسط دادگاهی صادر شد که استقلال و بی طرفی آن به شدت محل تردید بود. اما دادگاه اروپایی در اقدامی چالش برانگیز، ربوده شدن رهبر PKK از کنیا به ترکیه را اقدامی معارض با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تلقی نکرد. با این کار، از شدت فشار بر دولت ترکیه برای کاهش انزوای اوجالان، که از پاییز ۲۰۱۶ کامل شده بود و نه بستگان و نه نمایندگان قانونی هیچ دسترسی به اوجالان نداشته اند^۱، کاست. شش دوره کوتاه مذاکرات بین دولت و اوجالان در بهار ۲۰۱۵ پایان یافت؛ زیرا اردوغان اهداف انتخاباتی خود را با این دیدارها در خطر می‌دید. هنگامی که او نتوانست مانع از محبوبیت فزاینده HDP (حزب دموکراتیک خلق‌ها)^۲ و راهیابی‌اش به پارلمان در انتخابات شود، به سوی رویکرد خشونت‌آمیز تثبیت شده خود عقبگرد کرد و یک آزار و اذیت بیمارگونه معارضان و منتقدان و جنگی بی‌رحمانه علیه کردها را در پیش گرفت.

هیچ یک از شرکای ترکیه در ناتو مانع از این اقدام جنایت کارانه اردوغان علیه مردم نشد. در شورای امنیت هیچ کس حاضر نبود دولت و ارتش ترکیه را به دلیل جنایات جنگی به دادگاه کیفری بین‌المللی بکشاند. کاملاً مشخص است که نقشی که ترکیه به عنوان پایگاه نظامی در خاورمیانه و

۱ - در ژانویه ۲۰۱۹، اوجالان اجازه یافت با برادرش محمد، ملاقاتی مختصر داشته باشد.

سپر حفاظتی در برابر پناهجویان از مناطق جنگی از جای جای دنیا ایفا می‌نماید، از مقولات صلح و حقوق بشر مهم‌تر است. از این رو هیچ کس نیز آمادگی انجام اقدامات لازم برای جلوگیری از پیشروی ترکیه در خاک سوریه و اشغال کانتون عفرین را نداشت. همانند گردهای ترکیه، گردهای کشورهای همسایه نیز هرگز از حملات ارتش ترکیه در امان نیستند. در همین حال سازمان ملل متحد، ناتو و کشورهای عضو آنها از منافع استراتژیک خود دفاع می‌کنند و صرفاً نظاره‌گر هستند. اگرچه دادگاه اروپا اخیراً اسم PKK را که از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ در لیست ترور قرار داشت، حذف کرده بود، ولی شورای اروپا در سال ۲۰۱۸ دوباره PKK را در این فهرست قرار داد. در جمهوری فدرال آلمان محاکمه‌های جنایی علیه فعالان گُرد هنوز هم به دلیل عضویت و یا حمایت ادعایی از PKK در جریان است. این‌ها صرفاً نمونه‌هایی اضافی از عملکرد شورای اروپا و قوه قضاییه آلمان به نفع آقای اردوغان است، یک همکاری منجرکننده و عاری از هر گونه اخلاق.

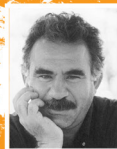
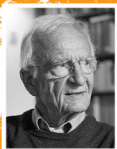
در سال ۲۰۰۱ نوشتم: «جنگ، نه تنها ترکیه را یک قدم به حل مسئله گُرد نزدیک نکرده است بلکه آنرا بیش از پیش به باتلاق ترور دولتی و فساد و شکنجه کشانده است. جنگ نه تنها خود کشور بلکه سیستم سیاسی را نیز ویران کرده است».

متأسفانه در سال ۲۰۱۹ نیز همین ارزیابی پابرجاست. با این تفاوت که اوضاع بدتر شده است. این درک که خشونت و جنگ بارها و بارها شکست خورده است و اینکه ادعای کردها برای تعیین سرنوشت خود را نمی‌توان با ابزار نظامی سرکوب کرد، ظاهراً دوباره برای دولت ترکیه به یک نفرت تبدیل شده است. پیشنهادات HDP و PKK برای راه حل سیاسی، با تعقیب و دستگیری در جنگی که از مرزهای ترکیه فراتر می‌رود، پاسخ داده می‌شود. اما با وجود جنگ افروزی‌های اردوغان و تهدید دائمی جنگ و حملات نظامی، هر چقدر هم که وضعیت کنونی ترکیه و سوریه تیره و تار باشد، نباید موفقیت‌های جنبش کرد را در این سال‌ها نادیده انگاشت یا دست کم گرفت. علیرغم حملات متعدد، HDP با موفقیت چشمگیر در صندوق‌های رأی و تأثیر قابل توجه در میان جمعیت ترکیه، به عاملی مهم در عرصه سیاست ترکیه و تهدیدی بالقوه برای تسلط حزب عدالت و توسعه^۱ اردوغان بدل شده است. علیرغم انزوا [تحمیلی]، اهمیت عبدالله اوجالان برای جنبش گُرد بسیار گسترده‌تر و بیشتر از هر زمان دیگری است. او مخاطب

رسمی گفتگو و مذاکرات با حکومت ترکیه بود. کاریزما و درخشندگی او به ویژه در توسعه الگوی دمکراتیک جامعه در روزاوا - سوریه، مشهود است. روزاوا به همه کردها در ترکیه، سوریه، عراق و ایران و همچنین در اروپا و خارج از آن چشم‌انداز جدیدی داده است: آزادی و رهایی از سرکوب و خشونت ممکن است و می‌توان حتی در شرایط دشوار و دهشتناک نیز به پیروزی دست یافت.

ما نباید به این فرض که رژیم اردوغان روزی به پایان خواهد رسید بسنده کنیم. مقاومت فعال در حال حاضر ضروری و ممکن است. و در این میان اوجالان همچنان نقش مهمی ایفا می‌کند. بنابراین آزادی وی از زندان، باید یکی از اهداف فوری باشد. خلق گرد در این پیکار تنها نیستند، بلکه می‌توانند روی همبستگی خلق‌ها در سراسر جهان حساب کنند، زیرا همه اینها مربوط به مبارزه برای آزادی، دمکراسی و سوسیالیسم است.

بخش اول این مقاله در سال ۲۰۰۲ در *Aşitî*، بولتن ابتکار بین‌المللی، و در سال ۲۰۰۳، به عنوان پیشگفتار برای گیلگامش ارین، نسخه آلمانی نوشته‌های زندان: ریشه‌های تمدن، منتشر شد. پس‌گفتار در ژانویه ۲۰۱۹ برای کتاب حاضر نوشته شده است.



نورمن پیچ، استاد بازنشسته دانشگاه هامبورگ، نماینده سابق بوندستاگ، پارلمان آلمان و کارشناس حقوق بین الملل است. او در ۱۲ آوریل ۱۹۳۸ در برمرهاون آلمان به دنیا آمد کار خود را در وزارت اقتصاد فدرال در بن آغاز کرد. او به عنوان محقق در مرکز تحقیقات فدراسیون دانشمندان آلمانی در هامبورگ به کار خویش ادامه داد. در سال ۱۹۷۵، استاد علوم سیاسی در دانشگاه هامبورگ شد و متعاقباً به تدریس حقوق عمومی در دانشگاه اقتصاد و سیاست هامبورگ پرداخت. او به مدت ۹ سال رئیس انجمن وکلای دمکرات بود. او سردبیر فصلنامه حقوقی – سیاسی "دمکراسی و قانون" بود و عضو هیئت مشورتی علمی و ATTAC، IALANA، و IPPNW است. در طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۹، او یکی از اعضای بوندستاگ آلمان و سخنگوی امور خارجی Die Linke بود. پیچ نویسنده مقالات و کتاب‌های متعددی است که عمدتاً در مورد حقوق بین الملل است.

نورمان پیچ

اوجالان، حقوق اروپایی، و مسأله کرد
ابتکار عمل آزادی برای اوجالان

Norman Paech

Abdullah Öcalan, Die Kurdische Frage und das europäische Recht

International initiative